

### مانچینی وویالی: یک دوستی عمیق تر از دریا

جانکو وایالی و روبرتو مانچینی بیرون بی‌پیدی گرونا روی تراس ایستاده‌اند؛ رستورانی که عادت داشتند به‌همراه تیم‌سمیدوریا در هفته برای شام خوردن به آنجا بروند. برای آنها اینجا محل «کارمین» است، یا‌نوق آنجا؛ جایی که «guzzetto» (allaligurre) یا‌سوپ ماهی بهترین کیفیت را دارد و اگر مراقب نباشید ممکن است آلتلیو لومباردو از قاشقش مثل یک منجینق استفاده و کوفته به صورت تان بپرت کند. تیم سال ۹۱ سمیدوریا در ماه مه در این رستوران جمع شد تا ۳۰ سالگی چیزی که دورانی به آن «اسچودو» می‌گویند را جشن بگیرند؛ تنها قهرمانی این تیم در سری آ، شبی برای پیر کردن لیوان هاو خندیدن.

و در عین حال زمانی که مانچینی به آب خیره شده بود، فکرش به سمت و میلی و شکست سمیدوریا در جام باشگاه‌های اروپای ۱۹۹۲ در وقت‌های اضافه رفت. او آه کشید و گفت: «همیشه در و میلی برنده بودیم. زمانی که سمیدوریا مرتباً در تورنمنت ماکیتا که حالا دیگر برگزار نمی‌شود، شرکت می‌کرد، در مقابل برج‌های مشهور و میلی پیروز می‌شد. وایالی او را دلداری می‌دهد: «همیشه جای‌رای اولین‌ها هست. یا می‌بری یا یاد می‌گیری، نه؟ هیچ وقت نمی‌بازی، به لحظه‌های خوب فکر کن. به نیمه پری‌لیون فکر کن، بخند و مثبت‌ها را ببین. این وایالی اصیل وبی‌دیل بود».

شبه گذشته، بیشتر از یک ماه بعد از دیدار مجدد در جنواین دور و میلی برنده شدند. وایالی از یله‌ها پایین آمد، از گیت کوچک بین جایگاه و زمین گذشت و بعد مانچینی را بغل کرد. انگار او می‌دانست زوج سایش در خط حمله آنجاست، چون مستقیماً به آغوشش رفت و در سر خوشی بعد از گل قدریکو کیه‌زا مقابل اتریش غرق شد. نمایشی انیهایکی از لحظه‌های ویژه مسابقات قهرمانی اروپا بود. در آینده وقتی وایالی به مانچینی می‌گوید به لحظه‌های خوب فکر کن، در کنار خاطره‌هایی که در زمان بازی با هم ساختند، همیشه به شبه‌شب هم فکری می‌کنند. عمق احساسی که بین این دو وجود دارد از «o Ma» عمیق تر است؛ واژه‌ای که جنوبای‌های رای دریا استفاده می‌کنند. وایالی در کانال Rai در برنامه Che Tempo Che Fa با اجرای فابیو فاتیو که طرفدار سمیدوریا است، درباره گذشته گفته بود: «از زمانی که ۱۴ سال داشتم، روبرتو قهرمان من بوده است. اولین بار در گوروچانو ملاقات کردیم (مرکز تیم ملی که همان‌طور که در ادامه می‌خوانید، حالا در آن مشغول کار هستند) در آن زمان بقیه در مورد او حرف می‌زدند. چند سال شده ما همدیگر را می‌شناسیم؟ ۲۰ سال؟ او در گل‌های من نقش داشت و من در گل‌های او.»

چنین دوستانی همه چیزی هستند که در زندگی دنبالش می‌گردیم. لوکا وایل مناجو در هتل استور که محل اقامت سمیدوریا در بازی‌های خانگی بود، در یک اتاق می‌ماندند. آنها به آشپز تیم، جورجیو برف، که به شاه جورج معروف بود، رنگ می‌زدند تا نصف شب برای شان اسپاگتی آلا بوچانی را حاضر کنند. وایالی پرسید: «وقتی شب قبل از دیداری را زیر یک سقف می‌گذرانید، وقتی شادی و در مشاهیر را تجربه می‌کنید، وقتی یک مأموریت را به پایان می‌رسانید و سن‌تان هم تفاوت چندانی ندارد، چطور می‌توانید با هم دوست نباشید؟»

ایتالیای سال ۹۰ برای این دو هر چیزی بود جز آن «شب‌های جادویی». مانچینی حتی یک دقیقه هم بازی نکرد. کشته‌ان وایالی هم دچار کشیدگی شد، پروتئیت گرفت و جایش را به توتو اسکیلچا داد. بعد از آن به‌همراه فائوستاری - که حالا دستیار مانچینی

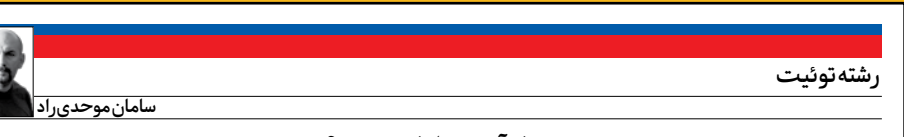


تک به تک

فریاد ابراز وجود جهانفکریان

#### پشت سرم تاریخ خسته است

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در مدیریت ورزش زنان مغفول مانده و هیچ‌کدام از رؤسا و نواب رؤسای زنان فدراسیون‌های عریض و طویل به آن نیم‌نگاهی هم ندارند، مسأله توجه به روحیه ورزشکاران و اهمیت دادن به فاکتورهای روحی و روانی است. زناتی که به‌رغم محدودیت‌های بسیار در جامعه کشور قدم در راهی دشوار و پیرسلاخ نهاده‌اند، در عین نابوری از سوزی‌های ترین نهاد آن رسته هم حمایت نمی‌شوند تا بی جهت بودن نواب رئیس زنان فدراسیون‌ها و همچنین معاونت ورزش زنان و رزاخته‌ها بیش از پیش به چشم بیاید. پریسا جهانفکریان یکی از ده‌ها هزار زن ورزشکار ایران‌زمین است که طعم تلخ ناملایمت‌ها و تبعیض‌ها را چشیده. مطمئناً یای حرف این و زن‌پردازان زن که بشنیم، چنان با سوزگداز از فشارهای تحمیلی به ورزش زنان در ایران سخن خواهد گفت که هیچ مجالی برای ادامه بحث و نقد باقی نماند. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که زنان ورزشکار ایرانی با شدیدترین محدودیت‌ها و با بالاترین نوع محرومیت‌های اجتماعی و ورزشی، دست به ساختار شکنی‌ها و تابش‌کنش‌هایی می‌زنند که حداقل باعث شگفته شدن ۱۰ استعداد سرکوب‌شده از بین زنان



رشته توثیت

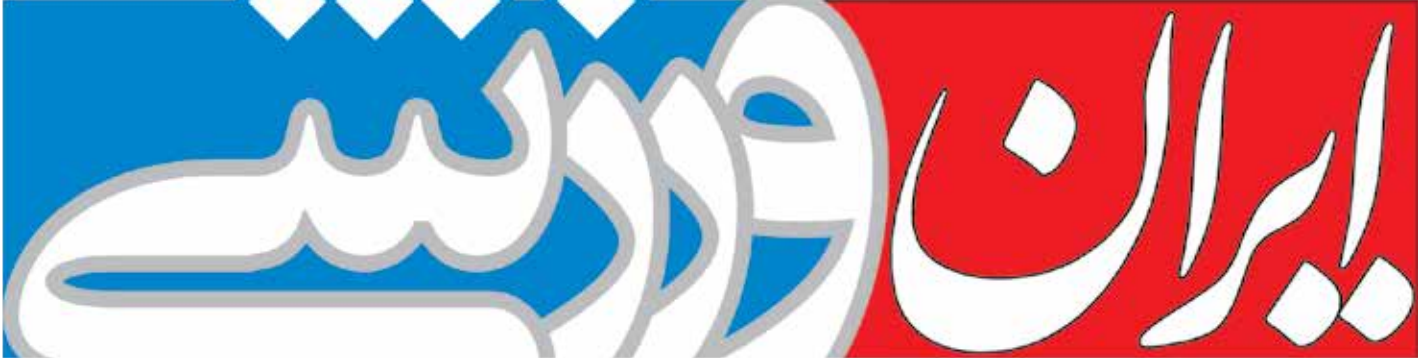
بادآورده را یاد می‌برد؟

### از بُرت دامن‌کشان...


در فاصله چند هفته مانده به رقابت‌های المپیک یک سهمیه دیگری برای ورزش ایران از آسمان افتاد. حالا همه اسم پریسا جهانفکریان را می‌دانند که قرار است در المپیک برای ایران وزنه بزند. اما شاید بسیاری ماجرای پشت این انتخاب را ندانند. «المپیک را نااعلاانه از من گرفتند. برای کسی که می‌توانست سهمیه بگیرد، نه تنها تلاشی نشد، بلکه سنگ اندازی هم کردند»، این تنها بخشی از حرف‌های جهانفکریان در ماه‌های گذشته و پس از کنار گذاشته شدن از تیم ملی است. در آن زمان مسئولان فدراسیون وزنه‌برداری اسم پریسا جهانفکریان را از لیست تیم ملی خط زده بودند تا او رقابت‌های قهرمانی آسیا را از دست بدهد.

اواخر سال گذشته بود که پریسا جهانفکریان به دلیل پارگی مینیسک از تمرینات دور مانده بود. او اما بعد از راهایی از این مصیبت بار دیگر تلاش کرد تا به تیم ملی برگردد اما در اقدامی عجیب فدراسیون وزنه‌برداری با بازگشت او به تمرینات تیم ملی مخالفت کرد. این تصمیم فدراسیون وزنه‌برداری البته که با اعتراض جهانفکریان همراه شد. جهانفکریان معتقد بود اگر فرصت حضور در رقابت‌های آسیایی به او داده می‌شد، می‌توانست سهمیه المپیک را کسب کند اما تصمیم فدراسیون این شانس آن‌ها گرفته شد. اما مدت زمان کمی لازم بود تا بفهمیم ادعای پریسا جهانفکریان چندان هم بیراه نبوده است.

فدراسیون آن زمان موضوعی کاملاً از بالا به مسأله داشت و معتقد بود جهانفکریان حرفه‌ای برخورد نکرده است. مریم منظمی نایب رئیس سابق فدراسیون در امور زنان در این باره گفته بود: «جهانفکریان درخواست داد



روزنامه ورزشی صبح ایران ● صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی ● مدیر مسئول: علی‌عالی ● تلفن: ۴۱۱۳۳-۸۸۵۰ ● فکس: ۴۱۱۳۳-۸۸۵۰ ● شماره ثبت: ۸۸۵۴۸۸۹۲ ● امور مشترکین: ۸۸۵۴۸۸۰۰ ● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰ / صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۵۳۸ ● چاپ: ایران‌یان


@iranvarzeshi
نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13
شماره ۳۰۳۶۸
چهارشنبه ۱۴۰۰ - شماره ۳۰۶۸۰

WWW.INN.IR

info@inn.ir



قدیمی امادیدنی



## کانتونای جوان

اریک کانتونای آن دسته بازیکنان عجیب فوتبال بود. عاصی اما تکنیکی، داخل زمین دوست‌داشتنی و بیرون زمین کاریزماتیک. این عکسی کمتر دیده شده از او در جوانی‌اشی در لیاس فرانسه است.

شاید اگر اریک اخلاقیات خاص نبود، می‌توانست عضو آن تیم قهرمان جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه هم باشد.



خارج از گود

شهرام وزیري

دلوشته برای حمید رضا صدر

#### قفس را بشکن آقای مفسر!

بلند شو تا دوباره آن دست‌های پراحسانت در تمام میدان‌ها روا کنند...

شارح دلنشین جایب چه خالی است، بیا دوباره ما را با خود پای‌ها تا عمق فوتبال ببر. بلند شو که دوباره با آن کلام شتاب‌آلود و دلنشیت شیفتگی را در دل شگفتی‌های فوتبال

برای مان تفسیر کنی...

آقای مفسر دل‌مان سخت برای‌ت تنگ شده... بلند شو و قفس بستر را بشکن!... اریکسون را دیدی که مرد وزنده شد...

راموس را دیدی که جام را از دست داد و آن هازاردی که بلژیک را پی‌انه گذاشت!

بلند شو تفسیر کن که چگونه گرت سایت‌گیت قراست تاریخ ساز شود... بلند شو بگو این دامنارک خوش‌قشوره‌تا کجا قرار است گردن کلفتی کند و چه شد که ایتالیای مانچینی چنین پوست انداخت و یگویتکی لاکای اسپانیای کجای کار کم می‌آورد؟

آقای شارح و مفسر دوست‌داشتنی، دل‌مان برای آن موهای زرد حیایی و برای آن همه شگفت‌گوئی‌ها و بداهه‌گوئی‌هایب سخت تنگ شده. بلند شو مرد... جام جهانی در پیش است.



طهریم

#### تشکر از اعضای کمیته انضباطی

یک نگاه به جدول لیگ بیندازند. تیم‌های در معرض سقوط عیار‌ترند از زینت مسجد سلیمان، نساجی مازندران، ذوب‌آهن، سایپا و ماشین‌سازی تبریز، همه تیم‌های قدیمی و ریشه‌دار! همه تیم‌ها از قدما و سبقا! چه بابایی سر فوتبال‌ما آمده که تیم‌های ریشه‌دارش یا در لیگ‌های پایین‌تر دست و پا می‌زنند یا در آستانه سقوطند یا هزار مشکل مالی دارند.

\*\*\*

به سلامتی و مبارکی شهاب گردان با فاصله چهار ساعت بعد از هزل دادن داور، را کلیه فعالیت‌های ورزشی، خرید آنلاین از سوپرمارکت محل و استفاده کردن از کولر موقع گرما محروم شده. البته در همین شهر اصفهان اگر یادتان باشد دو تیم سپاهان و پرسپولیس به مصاف هم رفتند و چنان دعواویی شد که مادر برگرد! آنجا البته کمیته انضباطی یادش رفته بود باید بازیکنان خاطی را با این سرعت محروم کند! خلاصه اینکه از اعضای کمیته انضباطی بابت اینکه یادشان آمده که می‌شود یک بازیکن را در چهار ساعت محروم کرد، تشکر می‌کنیم. به امید اینکه بقیه قوانین انضباطی را هم یادشان بیاید!

\*\*\*

یکی بگوید در کاروان المپیک‌های ایران چه خبر است؟ یا تست دوپینگ‌شان درمی‌آید یا صاحب سهمیه المپیک می‌شوند بعد خبر می‌رسد رفته‌اند جراحی کرده‌اند یا خبر می‌آید که شانس گرفتن سهمیه را داشته‌اند اما فدراسیون با آنها دعوا راه انداخته و خط‌شان زده! بیا آدم با سهمیه المپیک کشور خودش از این شوخی‌ها راه می‌اندازد؟

بنالتی

مازیار لیکلان

داستان برالتهاب اولین وزنه‌بردار ایرانی المپیک

#### اهمیت سلامت پریسا



برای پریسا جهانفکریان همه چیز در روزهای اخیر غیرمنتظره و پیرالتهاب بود. او یکبار به سهمیه المپیک توکیو مواجه شد اما بی‌خبر دستش را به جراح سپرده بود و این حضورش در المپیک را تردید می‌کرد. او اگر زودتر مطلع می‌شد که شانس حضور در المپیک را دارد، دستش را جراحی نمی‌کرد و می‌توانست جراحی را بعد از المپیک توکیو انجام دهد. اما چه گذشت که او جراحی کرد و حالا باید با دستانی که هنوز مراحل بعد از جراحی را پشت سر گذاشته، در المپیک وزنه‌بالی سرببرده و خطر کند؟

اگر فدراسیون وزنه‌برداری با دقت و تحقیق، این شانس را پیش‌بینی می‌کرد، اگر فدراسیون وزنه‌برداری به‌خاطر چند خط‌انتقاد وزنه‌پردازش او را به محرومیت متهم نمی‌کرد و به‌جای جدل با ورزشکار، به سلامت و آینده حرفه‌ای او فکری می‌کرد، حالا با داستان بهترین مواجه بودیم. پریسا جهانفکریان احتمالا به المپیک توکیو می‌رود، اما خودش سه روز پیش امدنی نداشت که پس از جراحی دستش بتواند وزنه بزند. فدراسیون وزنه‌برداری اما برای توجه رفتارهای پیشین خود، شتاب‌زده خبر داد که پریسا را به المپیک می‌فرستد.

به نظر می‌رسد حتی به قیمت به خطر افتادن سلامت ورزشکار، او راهی المپیک می‌شود. جهانفکریان بعید است که بتواند وزنه مورد نظرش را در توکیو بالای سرببرد. برای دست‌او خطرناک است که تحت فشار قرار بگیرد و کوتاه کردن مدت درمان او می‌تواند آینده حرفه‌ای او را به خطر بیندازد. پریسا لابد مشتاق است که در المپیک حاضر باشد و این افتخار کوچکی نیست اما سلامت پریسا از هر افتخار دیگری مهم‌تر است.

فدراسیون وزنه‌برداری حتی هزینه جراحی و درمان پریسا جهانفکریان را پرداخت نکرده بود، اما پس از کسب سهمیه المپیک توکیو به عنوان اولین زن وزنه‌بردار تاریخ ایران در المپیک‌ها، این پریسا بود که به ورزشکار محبوب این فدراسیون تبدیل شد. اما فدراسیون باید پیش از همه استعداد ورزشکارش را تشخیص دهد و مراقب او باشد.

روزی که پریسا تهدید به محرومیت شد، روزی که در پاسخ به درخواست پرداخت هزینه جراحی‌اش پاسخ منفی شنید، چندان دور نیست. تماشای وزنه‌زن پریسا جهانفکریان برای بسیاری از جوان‌ترهای ورزش زنان در ایران الهام‌بخش است.

پریسا جهانفکریان؛ پولادزنی که باید حفظ شود

# این قطار ظرفیت ندارد

نیز سر باز زد. متأسفانه بی‌توجهی و عدم حمایت‌های مادی و معنوی در ورزشکار زن ایرانی در رشته‌های توانمند و روحی المپیک را برای جهانفکریان بر باد رفته جلوه داد که به موجب آن قهرمان وزنه‌برداری زنان کشور دست آسیب دیده خود را که قصد داشت پس از المپیک توکیو درمان کند، به تیغ جراحان بسپارد. زن مدال‌آور تاریخ ورزش ایران، خارج از سایه پرچم مقدس کشورمان در توکیو روی شایع‌چاگ می‌رود. دینا پوریونس، دیگر توانمندکار زن ایرانم که پیش‌تر برنز مسابقات آسیایی را نیز به دست آورده، مانند علیرزاهه پرچم مختص پناهندگان المپیک را به پرچم کشور خود ترجیح داده. قطار زنان ورزشکار کوچ‌کرده بیش از ظرفیت خود نیز پر شده. دیگر وظیفه خود ماست که جهانفکریان‌ها را حفظ کنیم؛ چرا که خروج امثال وی، به مثابه خروج اعتبار از کاروان ورزشکاران وطنی خواهد بود.

به‌جای تحلیل و حمایت تمام‌قد، با تهدید به محرومیت از سوی فدراسیون وزنه‌برداری روبه‌رو شد، آن هم به جرم انتقاد به وضعیت موجود. همین تهدید رویای المپیک را برای جهانفکریان بر باد رفته جلوه داد که به موجب آن قهرمان وزنه‌برداری زنان کشور دست آسیب دیده خود را که قصد داشت پس از المپیک توکیو درمان کند، به تیغ جراحان بسپارد. جای اسفبار این قصه اما تنها به این تهدید ختم نمی‌شود، بلکه آنجا نمود پیدا می‌کند که فدراسیون وزنه‌برداری از تقبل هزینه ۲۰ میلیونی جراحی جهانفکریان

با اعزام کاروان المپیک ایران به توکیو، پریسا جهانفکریان را می‌توان نماد پولادزنی دانست که تا تابستان ۱۳۹۸ که برای نخستین مرتبه به مسابقات آسیایی و سپس جهانی اعزام شدند و هیچگاه فرصت عرضه مهارت خود در ورای مرزها را نداشتند. وزنه‌بردار ۲۶ ساله یاسوجی که دو سال قبل در کنار شش ستاره زن دیگر به پاتایا اعزام شد تا در کنار مردان ملی پوش فدراسیونی که حتی خرج عمل جراحی ملی‌پوش خود را نداد و با روحیه وی به شدیدترین نحو ممکن بازی کرد، هیچ سهمی در این افتخار ملی و فردی نخواهد داشت. دختر ایرانی نماد فریاد اعتراض هم‌جنسانش به سودمیریت هاست.

به‌عنوان نخستین وزنه‌بردار زن ایرانی تاریخ المپیک، پیشگامی برای زنان مستعد هم‌رشته‌ای خود نیز باشد. اما داستان پرپیچ‌وخم این روزهای جهانفکریان شاید رختنامه بسیاری از ورزشکاران غیرفوتبالی کشورمان باشد. حضور در آخرین اردوها را نداشت، اکنون چطور خودش را برای المپیک آماده می‌کند؟ اساساً پریسا جهانفکریان چقدر آمادگی دارد تا از این فرصت استفاده کند؟ پاسخ البته معلوم است.

وضعیت فدراسیون وزنه‌برداری ایران چنان آشفته است که این سهمیه با‌آورده احتمالاً هم‌بظور هم بر باد می‌رود. عدم صمیمیت و دست‌وپال گردن پریسانگته‌ای نیست که بتوان تا المپیک آن را رفع کرد. فرصت حضور در المپیک مسأله‌ای است که کشورهای زیادی برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. پول و هزینه فراوانی برای آن صرف می‌شود تا در نهایت بتوانند یکی از جاهای خالی در المپیک را پر کنند. حالا اما یک سهمیه المپیک از آسمان در دامن ورزش ایران افتاده؛ سهمیه‌ای که ورزش ایران به‌صورت ساختاری نتنها برای به دست آوردن آن تلاش نکرده که حتی در جهت عکس آن هم تلاش کرده است. بالین حال ورزشی چنین شانس به ورزش ایران ورکرده، مانا چه اندازه برای بهره بردن از آن آماده هستیم؟ باز هم مثل همیشه ورزش ایران منتظر رویداد های لحظه‌ای و جرقه‌های اتفاقی است. فعلا یک سهمیه از المپیک آن هم در ورزش زنان که کارکردن در آن برای زنان ایرانی بسیار سخت و پرمشقت است، به مدد تلاش‌های فردی به دست آمده.

برای پریسا جهانفکریان همه چیز در روزهای اخیر غیرمنتظره و پیرالتهاب بود. او یکبار به سهمیه المپیک توکیو مواجه شد اما بی‌خبر دستش را به جراح سپرده بود و این شوخی‌ها راه می‌اندازد؟